



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۲۴

عبدالجليل جميلی

دلیل واقعی سقوط صدارت داکتر یوسف خان

مطلبیست بخصوص قابل توجه محترم جناب داکتر سید عبدالله کاظم مورخین گرام و هموطنان ارجمند با احترام بجناب شما دوست محترم جناب داکتر کاظم و اکثریت تام دانشمندان گرامی و اهل قلم ما - اما بفرق قاصر کم کاش بعضی کتاب نویسندگان و یا قلم سوزان ما صداقت نویسندگی و احترام قلم را مراعات کرده و ممکن تا مطلب دقیق و روشنی نیابند نباید بر خود تهمت کرده ما و بخصوص شما دانشمندان متجسس و هم مردم بیچاره ما را به بد راهی و کج خیالی خود نبرند.

دانشمند گرامی! شخصاً تحقیقات و نوشته های بسیار مفید تانرا در خور توان و فرصت منظم تعقیب میکنم ولی تاسف میاید که شما متجسسین راه مردمی ما را چرا همچو چهره های معلوم الحال چطور کج بافانه با تاریک قلمی شان ما مانند اوستاد خلیلی ورشتیا و برادر نا مردش نا افغان نا صدیق بی فرهنگ / یا مرحوم صمد غوث! **مستندا و با فهم و شواهد عینی عرض میکنم و انشاءالله با معرفی اصلی پلید چهره ای به نام میر محمد صدیق نام بی فرهنگ!**

براهای منحرفی میبرند که به این صورت متاسفانه تاریخ ما تا ثریا کج میروند! دوست ارجمند! با در نظر داشت گذشته ای مربوط دوره ماموریت در وزارت امور خارجه از سال ۱۳۳۴ ش ۱۹۵۴ م نا آلوده به پارت بازیها بلطف خداوند در راهی که روان بوده ام تا حیات دارم همانم و بس ورنه در چوکات ذیقدرت امور دولتی و حکومتداری و بخصوص روابط سیاسی بین المللی حادثاتی نبوده که مورد بحث نبوده و تا حدی وارد نبوده ام و خوش بختانه هم در همین حلقه بزرگ استوار دولت دیروز چیز های قابل تذکری را دیده ام- ولی یقین دارم شما خوب میدانید که اولاً اسرار دولت اصلاً تابع حفظ منافع علیای حیثیت ملی و تامین مسالمت آمیز روابط بین المللی و جهانی ما بوده که جارچیگری ها و خود بزرگ سازیهای مانند رشتیا ماندندان و منحرف نویسیهای / نمیدانم چرای / صمد جان غوث کج قلمیها را اصلاً بر داشت ندارد.

و عجالتا بنا بر میرمیت مطلب تحریری جناب شما داکتر کاظم نمیخواهم بر معرفی بو قلویمان بازان و چگونگی سوابق شان درین جا اشاره کنم و قرضدارتان!

و اما با آغاز ماموریت در وزارت امور خارجه که با سال اول صدارت محمد داود افغانستان ساز راستین سر میخورد و طرز دید و آئین شانرا از همان روز اول حضور یابی و دیدن شان خوب درک کرده ام و حتی بعد از سفر رسمی و جلسه نا مبارک شان در سال ۱۹۷۷ با بریز نیف سلطنت طلب جهانی؟! حفظ اسرار و بی زبانی و نه جارچیگرانه! هدایت و شعار راد مردانه شجاعانه افغانی شان بوده و باید منورانه و اما برای حفظ منافع علیای ملی ما درست تعقیب می شد که نه شد و متاسفانه در قدم اول زیر عنوان دهه دیموکراسی! شاه بیچاره ما و سردار عبدالولی خان خود تخیلی قهرمان ضد داود خان؟ جیتنگ های شان میهن ما را در آن تلک های دست و پا بسته نگهداشتند که اصلاً در موقعش خود ایشان را درده نیماندند ولی با کله شورانیهای خوش نگهداری مقام علیای سلطنت حرف خود را بجایی رساندند که باید اسپ شانرا در طویله ملک جا دهند!!

بهر حال جناب کاظم صاحب! حال آنچه را که لزوماً و مجبوراً از چوکات داخلی داخلی! در داخل وزارت امور خارجه برای تان مینویسم که شما مورخ گرامی ما بر زحمات خود و لاطیلات رشتیا ماندندان لافوک تأسف خواهید کرد زیرا اشارات رشتیا ماندندان همه اش داستان سفسطه هائیت خود ساخته و خود بزرگ منش عرضه کرده که در اصل علت واقعی عدم رای اعتماد دور دوم صدارت مرحوم داکتر محمد یوسف خان از جای و منشا می گرفت که خود شان با ملطفت بقصور شخص معتمد شان - قویاً به آن ایمانی رسیدند که برای دور دوم بهیچ عنوان صدراعظم افغانستان نخواهند شد و اصل واقعیت داخل وزارت امور خارجه چنین بوده است:

وقتی داکتر یوسف خان مامور تشکیل حکومت دور دوم شدند و قبل از همه اقدامات برای جلب توجه و همکاری مجدد دوستان دیرینه شان داخل اقدام شده و منجمله نامه محرمی را / با محتویاتی آن محرم آن **یقیناً زنده بوده!** / بنام جناب دکتور علی احمد خان پوپل سفیر کبیر افغانستان در المان نوشته و مستقیماً به جناب دکتور روان فرهادی معین سیاسی وزارت امور خارجه منشی مجلی عالی وزرا / سپرده و هدایت دادند که در بین اولین خریطه / پسته سیاسی

ممهور/ وزارت امور خارجه بسفارتکبرای افغانستان به المان فرستاده شود و جناب روان هم در وزارت مامور مؤظف را خواسته پاکت با **همه امضا های دور و پروتشنائی شد سکاچ تیپ خورده چشم خور** جناب صدراعظم را به او سپردند که باید این نامه همین امروز در داخل پسته سیاسی به آلمان ارسال شود و تلفونا به جناب دوکتور یوسف اطمینان دادند.

اما دوکتور یوسف خان که انسان زرنگی بودند/ و آن مرحوم را از سابق و بخصوص که بیش از ۴ ماه در شفاخانه کریملن درمسکو بستری و تحت معالجه بودند از نزدیک می شناختم! / فردا اول صبح به آغای عالم نوتبی مدیرقلم مخصوص خود هدایت دادند که بشرکت هوائی اریانا تلفون کند که دیروز عصر چند پسته سیاسی را برای ارسال یخاچ از وزارت امور خارجه گرفته اند... جواب دفتر آریانا این بوده که سه پسته سیاسی را بفلان آدرسها دیروز و یکی را هم بنام سفارتکبرای افغانستان به المان امروز صبح گرفته ایم که بعد از ظهر فرستاده میشود و آن وقت جناب صدراعظم متوجه شدند که با غفلت کاری جناب روان چه گلی را به آب داده اند و باید دست از دور دوم صدارت بشویند! و نتیجتاً چنین هم شد.....

زیرا وقتی آن نامه و همه اطرافش اعضای شعبه اجرائیه مدیریت عمومی آرشیف وزارت امور خارجه و آن هم بقلم شخص صدراعظم افغانستان میبیند دربین اعضای ۷ / ۸ نفری اعضای شعبه بگو و بگردان خصوصی شروع میشود که این سخن در ظرف چند دقیقه بگوش جناب به داکتر ظاهرخان! رسیده و چنین تجویز گرفته میشود که همین پسته سیاسی رونده المان تا فردا صبح معطل شود و بعد از بستن دفتر این نامه راساً به داکتر ظاهر خان و بالتربیب به سردار عبدالولی رسیده با مهارت کامل باز و نامه کاپی شده حتی شباً شب بتوجه ملوکانه رسانیده میشود / که درینجا پای داکتر قیوم خان وزیر داخله / خانم شان امریکائی/ هم شامل میشود و نامه دوباره با مهارتی بسته شده صبح فردا در داخل پسته سیاسی به دفتر کمپنی اریانا فرستاده میشود!! .

و اگر جناب روان فرهادی سطحی نگری نمیکردند و آن نامه را دربین پاکت بزرگ تری جا داه و با عنوان و مهر دفتر خود شان و حتی زدن یک نمبر صادره خود – **من حیث یک نامه خاص معینیت سیاسی** آن وزارت و محض تحت عنوان سفارت افغانستان در بن می فرستادند طبعاً نه کسی متوجه می شد و نه اعضای سفارت هم قبل از مطالعه همچو مکاتب خاص و مستقیم توسط شخص سفیر کبیر انرا باز نمیکردند.

اما همان ملحوظات محتویات پاکت سربسته مایه تصمیم نزول داکتر یوسف خان و عروج عاجل جناب محمد هاشم خان میوندوال شده که پروگرام جبهه منفی داکتر یوسف خان و غرور مایشائی سردار عبدالی خان و زرنگیهای زیر پرده داکتر ظاهرخان و برادر شان با گذارش از زیر ریش شاه ما! عرضه پروگرام های تخریبی ضد داکتر یوسف خان و مظاهرات و حادثه دل خراش ۳ عقرب و شهادت اطفال معصوم ما تا بازی شورای ملی ما را بارل آورد . و این بود واقعیت قطعی نیم کاسه ایی زیرکاسه سه مهره دور شاه خوش باورما که در نتیجه چاقوی ریشتیا صاحب دروغ باف ماهر ما را دسته ای داد تا اسپ تخریب گر تاریخ ما را به جولان بیاورد . و این بود عین واقعیتی که چرا حکومت ما بازچه قرار گرفتند که در اخیر باز هم قضاوت را به همه هموطنان مبارک خود - ملت نجیب افغان محول کرده علاوه میدارم که برای حفظ افغانستان متحد واقعی خود باید قبل از شناخت دشمنان بیرونی! متوجه مارهای داخل آستین خود باشیم.

باعرض سلام